

### ❖ بستنی‌های خوشمزه و قصه‌گو

بستنی‌ها و خانم بهار را یادتان هست؟ مجموعه عروسی «صبح بخیر کوچولو» که در دهه ۷۰ تولید شده بود؛ روایت خود را از طریق عروسک‌هایی به شکل بستنی به بچه‌ها ارائه می‌کرد. شخصیت‌های این برنامه، بستنی‌های خوشمزه‌ای بودند که در کنار «خانوم بهار» برنامه اجرا می‌کردند. شعر معروف «دست کی بالا» را هم می‌خواندند و فضای شادی را برای بچه‌ها ترسیم می‌کردند. این مجموعه یک مرغ نامه‌بر هم داشت که عروسک لک‌لک بود و در کنار این بستنی‌ها حضور داشت. بستنی‌ها عروسک‌های تن پوشی بودند که با لحنی که صدایشه‌های‌شان داشتند، داستان‌هایی را برای بچه‌ها روایت می‌کردند.

### ❖ مدرسه از زبان حیوانات

«منگوله‌گوش میرزا» مجموعه عروسی‌ای در دهه ۷۰ بود که تیتراژ آن با تخته سیاه و گنج آغاز می‌شد؛ همان چیزهایی که ما بچه‌های دهه‌های گذشته با آن خاطره بازی می‌کردیم. شخصیت اصلی این مجموعه عروسی به نام «منگوله‌گوش» بود که گوش‌هایی خاص با موهای صورتی داشت. این مجموعه عروسک‌های دیگری هم داشت که جزو حیوانات بودند.

### ❖ عروسک دلبندم

مجید دلبندم با آن کلماتی که اشتباه می‌گفت را یادتان هست؟ قبل از این‌که مجموعه‌ای به صورت مستقل و با روایت عروسک مجید شکل بگیرد، سیب خنده روی آنتن رفته بود که بازی خاص مجید صالحی باعث شد ایده ساخت برنامه «مجید دلبندم» شکل بگیرد. شخصیت پردازی مجموعه «سیب خنده» مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار گرفت و سال بعد مجموعه‌ای به نام مجید دلبندم تولید شد. عروسکی با دست‌های دراز که با شیرین‌کاری‌هایش مخاطب را جذب می‌کرد. عروسک مجید با گویندگی مجید صالحی، کلمات را به صورت اشتباه بیان می‌کرد که با تصحیح اعضای خانواده با جمله «مجید دلبندم...» مواجه می‌شد. ترکیب مجید دلبندم... در فرهنگ عامه نیز تا حدودی رواج یافت و در مکالمات روزمره از آن استفاده می‌شد.

### ❖ ساکنان شکرستان

شاید در این مطلب از دهه ۶۰ زیاد گفته باشیم اما نمی‌توان کتمان کرد که شخصیت‌های عروسی همیشه برای مخاطبان کودک و نوجوان جذاب بوده و تولید آن مختص قدیم نیست. درست مثل «شکرستان» که مجموعه پویانمایی عروسی بود و توانست مخاطبان کودک و بزرگسال را همزمان با خود همراه کند. شخصیت‌های انیمیشنی شکرستان به مرور تبدیل به عروسک‌های دوست داشتنی شدند که هر کدام طرفداران خاصی داشتند؛ از جمله اسکندر و ننه قمر. شخصیت پردازی این عروسک‌ها به گونه‌ای بود که هرکدام تکیه‌کلام و ویژگی‌های خود را برای جذب مخاطب داشتند. مثلاً اسکندر، نوزاد و نوه ننه قمر بود که خیلی زود عروسک و لوازم التحریرش وارد بازار شد یا خواجه فرزان فردی بود که همواره به مال‌اندوزی فکر می‌کرد و خسیس هم بود و جزو شخصیت‌های محبوب در این سریال محسوب می‌شود.

### ❖ گربه آوازه‌خوان

پنگول را هم باید از جمله همین عروسک‌ها دانست که در قامت یک گربه، خیلی چیزها را یادمان می‌داد. شخصیتی که در برنامه «رنگین‌کمان» هر روز هفته از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ حاضر بود و با شعر و شادی بچه‌ها را به خود جلب می‌کرد و با شوخی‌ها و کنایه‌هایی که ارجاع‌شان به مسائل و ماجراهای مربوط به آدم‌بزرگ‌ها بود، دیگر اعضای خانواده را پای تلویزیون می‌نشاند. آوازهای پنگول برای خیلی از کودکان جذاب بود و با آن همراه می‌شدند. پنگول به بهانه‌های مختلف در ابتدا و انتها و وسط برنامه آواز می‌خواند، آن هم با صدایی که جنسش دوست داشتنی بود و تحریرهای هنرمندانه‌ای داشت. صدای ساختگی اما اصولی داشت که هنر هومن حاجی عبداللهی بود.

داشت. اوبه یکباره وارد خانواده یک زوج جوان می‌شود تا به عنوان فرزندخوانده با این خانواده زندگی کند. خانواده آقای جمالی هم همسایه آنها بود که ترکیبش با خلاقیت‌های زی‌زی‌گولو، باعث ایجاد قصه‌های بازمه می‌شد.

### ❖ بچه دایناسور دوست داشتنی

دانی و من را یادتان هست؟ همان عروسک دایناسوری که همراه حمیدگودرزی بازی می‌کرد و به یک چهره عروسی جذاب تبدیل شده بود. «ماجرای دانی و من» عنوان مجموعه‌ای بود که در آن شخصیتی به نام غزل نقاشی یک بچه دایناسور سبزرنگ را می‌کشد و یکباره این شخصیت زنده شده و در کنار سعید ماجراهایی را خلق می‌کرد. این بچه دایناسور دوست داشتنی شش ساله دانی نام داشت که به دلیل استقبال مخاطبان، فصل‌های دیگر آن هم تولید شد. این بچه دایناسور چشم‌های درشتی داشت و مودب بود. در واقع الگویی برای بچه‌های آن زمان شده بود. تیتراژ این مجموعه هم مورد توجه بچه‌ها قرار گرفت و اشعارش را زمزمه می‌کردند.

### ❖ اچی و مچی دوست داشتنی

مورچه‌های «اچی و مچی» که عروسک‌های کوچک بدون دهان بودند، برای خیلی از کودکان دهه ۶۰ خاطره‌انگیز بود و هنوز هم خیلی‌ها تیتراژ و آواز دسته جمعی‌شان را به خاطر دارند. مهدی فقیه یکی از بازیگران پیشکسوت شیرازی کار طراحی و ساخت این عروسک‌ها را برعهده داشت. بزرگ‌ترین عضو مورچه‌ها با موهای سفیدی که داشت، برای بقیه قصه می‌گفت و آنها هم سرپا گوش می‌شدند.

### ❖ کوچولوهای نخی

بچه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ عروسک «نخودی» را به خاطر دارند؛ عروسکی که همراه چند عروسک دیگر بود و پرسشگری را یاد کودکان می‌داد. طراحی این عروسک‌ها به گونه‌ای بود که فقط دست و پا و سرهای‌شان با نخ‌هایی که به آنها وصل بود، حرکت می‌کرد و دهان‌شان باز نمی‌شد. با وجود این برای بچه‌ها جالب و ملموس بود. نخودی یک بی‌بی داشت که با او زندگی می‌کرد و لحنی بسیار جدی داشت.

### ❖ نقش آفرینی به شیوه آفتاب و مهتاب

«آفتاب و مهتاب» دو پسر بچه عروسی سبزه‌رو بودند که تبدیل به نمادی شدند برای بچه‌های پراز شیطنت همان روزها. تیتراژ برنامه با معرفی این دو شخصیت توسط خودشان آغاز می‌شد و شعری هم در این باره می‌خواندند و اتفاقاً با کلمه‌سازی، خودشان را معرفی می‌کردند که همین نکته هم برای بچه‌ها جالب بود. این دو عروسک همیشه پشت یک میز بودند و قصه‌های‌شان را روایت می‌کردند.

## زیبون به بهانه پخش «جام آرزوها»

# ک دیروز و هنوز



را باید از جمله آثاری دانست که توانسته بود فرهنگ‌سازی را در حین ارائه یک محتوای مناسب برای کودکان، روی آنتن ببرد.

### ❖ قصه‌های زی‌زی‌گولو

وقتی یاد عروسک‌های خاطره‌ساز می‌کنیم، باید به عروسک خاطره‌انگیز سال‌های دور یعنی زی‌زی‌گولو هم اشاره کنیم که توانست چند نسل را به شکل همزمان با خود همراه کند. قصه‌های تابه‌تا نام مجموعه‌ای بود که یک عروسک ثابت با عنوان زی‌زی‌گولو داشت که هیچ شباهتی به عروسک‌های مرسوم نداشت و یک گوش بزرگ‌تر و عجیب

### جناب خان شغلش

### لبوفروش است و به

### دختری به نام احلام

### علاقه دارد. او حالا

### با برنامه جام آرزوها

### دوباره به تلویزیون

### بازگشته تا هوا داران

### خود را با بحث‌های

### فوتبالی همراه کند

